

فارسی

پایہ، مقسم
دورہ اول متوسطہ

ویرایش جدید

مؤلف: حمید طالب تبار

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۶۷	رفتار بهشتی	۷	مقدمه
۶۸	گرمای محبت	۸	ساختار کتاب
۷۱ فصل پنجم: اسلام و انقلاب اسلامی		بخش اول (معنی شعرها و نثرها)	
۷۲	درس دوازدهم: خدمات متقابل اسلام و ایران	۱۰	ستایش: (یاد تو)
۷۵	شعرخوانی: رستگاری	۱۳ فصل اول: زیبایی آفرینش	
۷۷	درس سیزدهم: اُسوه نیکو	۱۴	درس اول: زنگ آفرینش
۸۰	حکایت: چراغ	۱۸	حکایت: اندرز پدر
۸۱	درس چهاردهم: امام خمینی (قُدس سِرّه)	۱۹	درس دوم: چشمه معرفت
۸۴	روانخوانی: مرخصی	۲۴	روانخوانی: کُزال
۸۵ فصل آزاد: ادبیات بومی (۲)		۲۷ فصل دوم: شکفتن	
۸۶	درس پانزدهم: آزاد	۲۸	درس سوم: نسل آینده‌ساز
۸۷	روانخوانی: چرا زبان فارسی را دوست دارم؟	۳۱	شعرخوانی: توفیق ادب
۸۹ فصل ششم: ادبیات جهان		۳۳	درس چهارم: با بهاری که می‌رسد از راه
۹۰	درس شانزدهم: آدم آهنی و شاپرک	۳۵	زیبایی شکفتن
۹۳	درس هفدهم: ما می‌توانیم	۳۹ فصل آزاد: ادبیات بومی (۱)	
۹۵	روانخوانی: پیرِ دانا	۴۰	درس پنجم: آزاد
۹۶	نیایش	۴۱ فصل سوم: سبک زندگی	
بخش دوم (دانش‌های زبانی و ادبی)		۴۲	درس نهم: قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟
۹۸	درس اول: جمله	۴۵	درس هفتم: علم زندگانی
۱۰۰	شخصیت‌بخشی	۴۸	حکایت: دعای مادر
۱۰۱	تمرین‌های مربوط به جمله	۴۹	درس هشتم: زندگی همین لحظه‌هاست
۱۰۲	تمرین‌های مربوط به آرایه شخصیت‌بخشی	۵۳	روانخوانی: سفرنامه اصفهان
۱۰۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای جمله	۵۵ فصل چهارم: نام‌ها و یادها	
۱۰۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای آرایه شخصیت‌بخشی	۵۶	درس نهم: نصیحت امام (ره)
۱۰۶	پاسخ تمرین‌های مربوط به جمله	۵۷	شوق خواندن
۱۰۷	پاسخ تمرین‌های مربوط به آرایه شخصیت‌بخشی	۵۹	درس دهم: کلاس ادبیات
۱۰۸	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای جمله	۶۰	مروریدی در صدف
۱۰۹	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای شخصیت‌بخشی	۶۱	زندگی حسایی
۱۱۰	درس دوم: جمله از جهت پیام و محتوا	۶۱	فرزند صالح انقلاب
۱۱۰	هم‌خانواده	۶۵	شعرخوانی: گِل و گُل
۱۱۱	تشبیه	۶۷	درس یازدهم: عهد و پیمان
۱۱۲	تمرین‌های مربوط به جمله از نظر پیام و محتوا	۶۷	عشق به مردم

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۵۶	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به فعل‌های ناگذر و گذرا	۱۱۳	تمرین‌های مربوط به هم‌خانواده
۱۵۷	درس هفتم: متمم و حروف اضافه	۱۱۴	تمرین‌های مربوط به تشبیه
۱۵۸	بازگردانی (تبدیل شعر به نثر)	۱۱۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به جمله از نظر محتوا
۱۵۹	تمرین‌های مربوط به متمم و حرف اضافه	۱۱۷	پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به هم‌خانواده
۱۶۰	تمرین‌های مربوط به بازگردانی	۱۱۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به تشبیه
۱۶۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای متمم و حرف اضافه	۱۲۰	پاسخ تمرین‌های مربوط به جمله از نظر پیام و محتوا
۱۶۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای تبدیل شعر به نثر	۱۲۱	پاسخ تمرین‌های مربوط به هم‌خانواده
۱۶۴	پاسخ تمرین‌های مربوط به متمم و حرف اضافه	۱۲۲	پاسخ تمرین‌های مربوط به تشبیه
۱۶۵	پاسخ تمرین‌های مربوط به بازگردانی	۱۲۳	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به جمله
۱۶۶	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به متمم	۱۲۴	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به هم‌خانواده
۱۶۷	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به تبدیل شعر به نثر	۱۲۵	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به تشبیه
۱۶۸	درس هشتم: فعل اسنادی (فعل ربطی)	۱۲۶	درس سوم: فعل
۱۶۹	تمرین‌های مربوط به فعل اسنادی	۱۲۷	زبان و ادبیات
۱۷۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای فعل اسنادی	۱۲۸	تمرین‌های مربوط به فعل
۱۷۲	پاسخ تمرین‌های مربوط به فعل اسنادی	۱۲۹	تمرین‌های مربوط به زبان و ادبیات
۱۷۳	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای فعل اسنادی	۱۳۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به فعل
۱۷۴	درس نهم: مسند	۱۳۲	پاسخ تمرین‌های مربوط به فعل
۱۷۵	تمرین‌های مربوط به مسند و فعل اسنادی	۱۳۳	پاسخ تمرین‌های مربوط به زبان و ادبیات
۱۷۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به مسند	۱۳۴	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به فعل
۱۷۸	پاسخ تمرین‌های مربوط به مسند و فعل اسنادی	۱۳۵	درس چهارم: نهاد
۱۷۹	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای مسند	۱۳۶	مراعات‌نظیر
۱۸۰	درس دهم: زمان فعل	۱۳۸	تمرین‌های مربوط به نهاد
۱۸۱	قالب قطعه	۱۳۹	تمرین‌های مربوط به مراعات‌نظیر
۱۸۳	تمرین‌های مربوط به زمان فعل	۱۴۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به نهاد
۱۸۴	تمرین‌های مربوط به قالب قطعه	۱۴۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به مراعات‌نظیر
۱۸۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به زمان فعل	۱۴۴	پاسخ تمرین‌های مربوط به نهاد
۱۸۷	پاسخ تمرین‌های مربوط به زمان فعل	۱۴۵	پاسخ تمرین‌های مربوط به مراعات‌نظیر
۱۸۸	پاسخ تمرین‌های مربوط به قالب قطعه	۱۴۶	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به نهاد
۱۸۹	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای زمان فعل	۱۴۷	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای مراعات‌نظیر
۱۹۰	درس یازدهم: شخص‌های شش‌گانه فعل	۱۴۸	درس ششم: فعل ناگذر و گذرا به مفعول
۱۹۱	تمرین‌های مربوط به شخص‌های شش‌گانه فعل	۱۴۹	تکرار
۱۹۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای شخص‌های فعل	۱۵۰	تمرین‌های مربوط به فعل‌های ناگذر و گذرا
۱۹۴	پاسخ تمرین‌های مربوط به شخص‌های شش‌گانه فعل	۱۵۱	تمرین‌های مربوط به تکرار
۱۹۵	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به شخص‌های فعل	۱۵۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای فعل ناگذر و گذرا
۱۹۶	درس دوازدهم: ضمیر	۱۵۴	پاسخ تمرین‌های مربوط به فعل‌های گذرا به مفعول و ناگذر
		۱۵۵	پاسخ تمرین‌های مربوط به تکرار

عنوان

صفحه

تمرین‌های مربوط به ضمیر شخصی.....	۱۹۷
پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به ضمیر شخصی.....	۱۹۸
پاسخ تمرین‌های مربوط به ضمیر شخصی.....	۲۰۰
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای ضمیرهای شخصی.....	۲۰۱
درس سیزدهم: فعل مضارع.....	۲۰۲
تمرین‌های مربوط به فعل مضارع.....	۲۰۴
پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به فعل مضارع.....	۲۰۵
پاسخ تمرین‌های مربوط به فعل مضارع.....	۲۰۷
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به مضارع.....	۲۰۸
درس چهاردهم: فعل ماضی.....	۲۰۹
تمرین‌های مربوط به فعل ماضی.....	۲۱۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای فعل ماضی.....	۲۱۱
پاسخ تمرین‌های مربوط به فعل ماضی.....	۲۱۳
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای فعل ماضی.....	۲۱۴
درس شانزدهم: فعل آینده.....	۲۱۵
نماد.....	۲۱۵
تمرین‌های مربوط به فعل آینده.....	۲۱۷
تمرین‌های مربوط به نماد.....	۲۱۸
پرسش‌های چهارگزینه‌ای فعل آینده.....	۲۱۹
پاسخ تمرین‌های مربوط به فعل آینده.....	۲۲۱
پاسخ تمرین‌های مربوط به نماد.....	۲۲۲
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای فعل آینده.....	۲۲۳
درس هفدهم: واژه‌های ساده و غیرساده.....	۲۲۴
ترجمه.....	۲۲۵
تمرین‌های واژه‌های ساده و غیر ساده.....	۲۲۶
تمرین‌های ترجمه.....	۲۲۷
پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژه‌های ساده و غیرساده.....	۲۲۸
پاسخ تمرین‌های مربوط به واژه‌های ساده و غیرساده.....	۲۳۰
پاسخ تمرین‌های مربوط به ترجمه.....	۲۳۱
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژه‌های ساده و غیرساده.....	۲۳۲

بخش سوم (تست‌های درس به درس)

درس اول: ستایش.....	۲۳۴
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول.....	۲۳۹
درس دوم: چشمه معرفت.....	۲۴۱
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوم.....	۲۴۵
درس سوم: نسل آینده‌ساز.....	۲۴۷
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سوم.....	۲۵۰

عنوان

صفحه

درس چهارم: با بهاری که می‌رسد از راه.....	۲۵۱
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهارم.....	۲۵۵
درس ششم: قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟.....	۲۵۷
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ششم.....	۲۵۹
درس هفتم: علم زندگانی.....	۲۶۰
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفتم.....	۲۶۳
درس هشتم: زندگی همین لحظه‌هاست.....	۲۶۵
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هشتم.....	۲۶۹
درس نهم: نصیحت امام (قُدسِ سِرّه).....	۲۷۱
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس نهم.....	۲۷۳
درس دهم: کلاس ادبیات.....	۲۷۴
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دهم.....	۲۷۷
درس یازدهم: عهد و پیمان.....	۲۷۹
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس یازدهم.....	۲۸۲
درس دوازدهم: خدمات متقابل اسلام و ایران.....	۲۸۳
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوازدهم.....	۲۸۶
درس سیزدهم: اسوه نیکو.....	۲۸۷
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سیزدهم.....	۲۹۰
درس چهاردهم: امام خمینی (قُدسِ سِرّه).....	۲۹۱
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهاردهم.....	۲۹۳
درس پانزدهم: روان‌خوانی.....	۲۹۴
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس پانزدهم.....	۲۹۶
درس شانزدهم: آدم آهنی و شاپرک.....	۲۹۷
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس شانزدهم.....	۲۹۹
درس هفدهم: ما می‌توانیم.....	۳۰۰
پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفدهم.....	۳۰۳

بخش چهارم (آزمون‌های جامع)

- آزمون جامع [۱] همراه با پاسخ.....	۳۰۷
- آزمون جامع [۲] همراه با پاسخ.....	۳۱۲
- آزمون جامع [۳] همراه با پاسخ.....	۳۱۸
- آزمون جامع [۴] همراه با پاسخ.....	۳۲۳
- آزمون جامع [۵] همراه با پاسخ.....	۳۲۷
- آزمون جامع [۶] همراه با پاسخ.....	۳۳۱
- آزمون جامع [۷] همراه با پاسخ.....	۳۳۶
- آزمون جامع [۸] همراه با پاسخ.....	۳۴۱
- آزمون جامع [۹] همراه با پاسخ.....	۳۴۶



مقدمه

شُکرانهٔ بازوی توانا - بگرفتنِ دستِ ناتوان است

در این کتاب سعی کردم مطالب را به شکلی بنویسم که تمام دانش‌آموزان سرزمینم، از آن بهره ببرند. برای این که کتاب را به موقع چاپ کنم، فرصتی را برای استراحت نداشتم؛ یعنی تمام صبح تا شب را مشغول نوشتن، بازبینی و ویرایش بودم.

خوشبختانه کتاب با شیوهٔ جدیدتری (نسبت به کتاب‌های قبلی‌ام) نوشته شد؛ شیوه‌ای که قطعاً نیاز دانش‌آموزان عزیزم را برطرف می‌سازد.

همیشه در چاپ یک کتاب، مجموعه‌ای در تلاش و تکاپو هستند تا کار به نحو احسن پایان پذیرد. در چاپ این کتاب مجموعهٔ توانا، پی‌گیر و دل‌سوزی به کمک من آمدند تا این کتاب، نه تنها به موقع، بلکه دقیق به چاپ برسد؛ بنابراین برخود لازم می‌دانم که از دوستان و همکاران گرانقدرم سپاسگزاری کنم:

جناب آقای یحیی دهقانی مدیرعامل محترم انتشارات مبتکران، دوست گرانقدرم جناب آقای شهنام دادگستر که همچون گذشته ویراستار علمی کتاب بوده‌اند، جناب آقای علیرضا چنگیزی دوست صمیمی و یک‌دل، سرکار خانم آزاده امیدمهر ویراستار، جناب آقای جواد باحشمت جویباری ویراستار (از مازندران)، جناب آقای تیمور رضایی ویراستار (از اصفهان)، جناب آقای خدایار مبین، سرکار خانم لیلی میرزایی و جناب آقای مظاهر حسنی (حروف‌چین و صفحه‌آرایی) توانمند، دانش‌آموزان گرامی امیرحسین جعفری، محمددانیال شعبانی‌پور و علیرضا موسوی‌فر (نمونه‌خوانان)، سرکار خانم نرگس سربندی (طراح)، سرکار خانم مینا هُرمزی (طراح جلد) و تمام کسانی که در چاپ این کتاب، نقش داشته‌اند.

در پایان از تمام همکاران و دانش‌آموزان گران‌قدر، تقاضا دارم که پیشنهادهای به‌جا و ارزشمندشان را به آدرس انتشارات مبتکران ارسال فرمایند تا در چاپ‌های بعدی، محتوای کتاب پُربارتر گردد.

پاینده باشید!
حمید طالب‌تبار
تهران





دانش آموز عزیز! قبل از خواندن این کتاب، مطالب زیر را با دقت بخوانید.

این کتاب شامل چهار بخش است:

بخش اول |

در این بخش، تمام شعرها و نثرها، لغت‌ها و پیام‌های هر درس، به ترتیب، شرح و معنی شده است و نکته‌های دستوری و آرایه‌های ادبی آن‌ها بررسی شده است.

بخش دوم |

تمام نکته‌های زبانی و ادبی کتاب (دستور زبان فارسی، آرایه‌های ادبی و قالب‌های شعر) درس به درس بررسی شده است و برای هر قسمت، تمرین و پرسش‌های چهارگزینه‌ای با پاسخ تشریحی آورده شده است.

بخش سوم |

این بخش، شامل پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس به درس است؛ یعنی از هر درس در زمینه «دستور زبان فارسی»، «لغت»، «تاریخ ادبیات»، «آرایه‌های ادبی»، «معنی و مفهوم» و ... جداگانه، پرسش‌های چهارگزینه‌ای طراحی شده و پاسخ تشریحی آن‌ها نوشته شده است.

بخش چهارم |

در این بخش نکته‌های مهم کتاب آموزش مهارت‌های نوشتاری آورده شد و محتوای کتاب خوانداری درس به درس، به صورت آزمون جامع به همراه پاسخ تشریحی، طراحی شده است.

بخش اوّل

معنی شعرها و نثرها

شرح و معنی تمام بیت‌ها و
عبارت‌های کتاب درسی



ستایش

یاد تو

قالب شعر: مثنوی

شاعر: نظامی گنجوی

<p>سر آغاز: اوّل هر چیزی، آغاز</p> <p>نامه: در این جا به معنی کتاب</p> <p>☆ مونس: همدم، یار</p> <p>☆ روان: جان، روح</p> <p>☆ کارگشا: حل کننده مشکلات، آسان کننده کارها</p> <p>هست کن: به وجود آورنده، پدید آورنده</p> <p>☆ اساس: پایه، بنیاد</p>	<p>کوتاه: مُخَفَّف کوتاه</p> <p>☆ دراز دستی: ستمگری، زور گویی</p> <p>☆ نانموده: آشکار نشده، پنهان</p> <p>نانوشته: نوشته نشده</p> <p>☆ عنایت: بخشایش، لطف، توجه، احسان</p> <p>ظلمت: تاریکی</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها

معنی بیت‌ها

بیت ۱

ای نام تو، بهترین سرآغاز بی نام تو، نامه، کی کنم باز؟

معنی: ای خدایی که اسم تو بهترین سرآغاز برای هر کاری است، من بدون یاد نام تو، این کتاب را آغاز نمی‌کنم.

نکته دستوری: این بیت، سه جمله است. فعل جمله دوم، «است» حذف شده است. (نام تو، بهترین سرآغاز [است]) / مصراع دوم، جمله پرسشی انکاری است. / منادا، بعد از «ای» حذف شده است.

بیت ۲

ای ییاد تو، مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم

معنی: ای خدایی که یاد و ذکر تو همدم روح من است. من فقط تو را ستایش می‌کنم و نام تو را بر زبان می‌آورم.

نکته دستوری: در جمله اول، منادا حذف شده است: ای [کسی که]... / بیت از سه جمله تشکیل شده است.

بیت ۳

ای کارگشای هرچه هستند نام تو کلید هرچه بستند

معنی: ای خدایی که برطرف کننده مشکلات موجودات هستی، نام تو همانند کلیدی است که مشکلات و گرفتاری‌ها را حل می‌کند.

آرایه ادبی: نام تو مانند کلید است ← تشبیه

نکته دستوری: کارگشا ← منادا

بیت ۴

ای هست گن اساس هستی کوتاه ز درت، درازدستی

معنی: ای به وجود آورنده جهان هستی، در درگاه تو به کسی ظلم و ستم نمی‌شود.

آرایه ادبی: مصراع دوم، کنایه از: زورگویی و ستم به درگاه تو راه ندارد.

نکته‌های دستوری: فعل مصراع دوم (= است) از بیت، حذف شده است. / هست کن ← منادا

بیت ۵

هم قصه نانموده، دانی هم نامه نانوشته، خوانی

معنی: خداوندا، تو از همه قصه‌های آشکار نشده و نامه‌های نوشته نشده، آگاهی. (= از همه رازها و رمزها باخبری)

نکته‌های دستوری: قصه ناموده و نامه نانوخته ← مفعول / دانی (= می‌دانی) و خوانی (= می‌خوانی) ← فعل مضارع

بیت ۶ هم تو، به عنایت الهی / آنجا، قدم رسان که خواهی

معنی: خدایا، تو با لطف و توجه خودت، مرا به آن مقام و جایگاهی برسان که می‌پسندی و صلاح می‌دانی.

بیت ۷ از ظلمت خود، رهایی‌ام ده / با نور خود، آشنایی‌ام ده

معنی: پروردگارا، مرا از جهل و گمراهی، نجات بده و با نور معنوی و معرفت خود، آشنا کن.

آرایه ادبی: ظلمت و نور ← تضاد

نکته‌های دستوری: واژه‌های «رهایی» و «آشنایی» غیرساده هستند.

ترتیب توجه «خود» در مصراع اول اشاره به انسان دارد و در مصراع دوم، اشاره به خدا.



نوع نثر: مُسَجَّع

برگرفته از: الهی نامه خواجه عبدالله انصاری

دانایی: خردمندی، آگاهی	استوار: محکم، پابرجا
بینایی: توانایی درک حقایق، بصیرت	نگاهدار: مراقب و پشتیبان باش
دست آویز: آنچه از آن کمک می‌گیرند یا به آن پناه می‌برند.	پریشان: آشفته، نگران
توفیق: سازگاری، موافقت	

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

معنی جمله‌های دشوار

الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم.

معنی: خدایا، به ما شهامت بده تا خود را در راه تو فدا کنیم و جانی بده تا کارهایی را انجام بدهیم که آخرت ما را بسازد.

نکته‌های دستوری: الهی ← منادا / دلی: مفعول / جانی ← مفعول

آرایه ادبی: جان بازیم ← کنایه از خود را فدا کنیم.

دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم.

معنی: پروردگارا، علم و آگاهی به ما بده تا از راه رسیدن به تو منحرف نشویم و بصیرت بده تا گمراه نشویم.

نکته‌های دستوری: دانایی ← مفعول / بینایی ← مفعول

آرایه ادبی: راه و چاه ← تضاد / در چاه نیفتیم ← کنایه از گمراه نشویم.

دست گیر که دست آویز نداریم، توفیق ده، تا در دین استوار شویم.

معنی: کمک کن، زیرا به جز تو کمک و پناهی نداریم، موافقت و همراهی کن تا در دین، محکم و پابرجا شویم.

آرایه ادبی: دست‌گیر ← کنایه از کمک کن

نکته دستوری: جمله‌های «دست‌گیر» و «توفیق ده» امری هستند.

نگاهدار، تا پریشان نشویم.

معنی: مراقب و پشتیبان ما باش تا آشفته و پریشان نشویم.

مونس - هست گُن - اساس هستی - قصهٔ نانموده - خوانی - عنایت الهی - ظلمت - دست آویز - توفیق - استوار

املاي واژه های مهم

پیام درس

این درس مانند تمام درس‌های آغازین کتاب‌های فارسی، مناجات و راز و نیاز با خداوند است. شاعر یا نویسنده از خداوند بزرگ می‌خواهد که او را مورد لطف خودش قرار دهد. هم‌چنین شاعر (یا نویسنده) خداوند را به بزرگی و عظمت می‌ستاید و در پایان از خداوند می‌خواهد که نیازش را برطرف سازد.

هم‌خانوادهٔ واژه‌ها	مونس ← اُنس - مؤانست - انیس
	اساس ← تأسیس - مؤسس - مؤسسه
	قصه ← قِصَص (جمع قصه)
	ظلمت ← ظُلْمانی - ظلم - ظَلَام
	نور ← انوار (جمع نور) - منور - نورانی
	دانایی ← دانا - داننده - دانستن
	بینایی ← بینا - بیننده - دیدن
توفیق ← موفق - توافق	

تاریخ ادبیات

◆ نظامی، حکیم ابومحمد یوسف (۶۱۴-۵۳۰ هـ. ق)

شاعر نامدار ایرانی، معروف به نظامی در شهر «گنجه»، از شهرهای امروزی جمهوری آذربایجان، به دنیا آمد. در جوانی به تحصیل ادب، قصص و تاریخ همت گماشت. داستان‌پردازی در منظومه‌های او به اوج می‌رسد. آثار نظامی عبارت‌اند از: مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت‌پیکر و اسکندرنامه.

◆ انصاری، خواجه عبدالله (۴۸۱-۳۹۶ هـ. ق)

معروف به پیر هرات، در قرن پنجم در هرات به دنیا آمد. در جوانی علوم دینی و ادبی را فراگرفت. به عربی و فارسی شعر می‌سرود. شهرت وی به جهت کتب مشهوری است که نوشته است. از جمله تفسیری بر قرآن دارد که اساس کار رشیدالدین میبیدی در تألیف تفسیر «کشف‌الاسرار» قرار گرفته است. نثر خواجه عبدالله، آهنگین (مُسَجَّح) است. از آثار او می‌توان به: مناجات‌نامه و الهی‌نامه اشاره کرد.

جهان، حمله فروغ روی حق دان حق اند روی ز پیدایی است پنهان

● معنی:

تمام پدیده‌های جهان، نمایانگر وجود عظمت خداوند است. خداوند از شدت آشکاری در پدیده‌ها، پنهان به نظر می‌رسد.

● تاریخ ادبیات:

شبستری، شیخ محمود (وفات ۷۲۰ هـ. ق)

از عارفان مشهور قرن هشتم و از علما و فضیلتی تیریز است. که نوشته‌ها و سروده‌هایی در زمینه عرفان اسلامی دارد. معروف‌ترین اثر شعری او، مثنوی "گلشن راز" است.

● زنگ آفرینش

● اندرز پدر (حکایت)

● چشمه معرفت

● روان خوانی: کژال

فصل اوّل

زیبایی آفرینش



درس اول

زنگ آفرینش

قالب شعر: چهارپاره شاعر: قیصر امین پور

گرم: مشغول، سرگرم	افق: کرانهٔ آسمان؛ جمع آن، آفاق به معنی کرانه‌های آسمان و اطراف است.
غوغا: آشوب و فریاد، همهمه	پیغمبر: پیام‌آور
انگار: گویی	گلدسته: مناره
موضوع: مطلب	گنبد: سقف بزرگ که به شکل نیم کره است. مثل سقف مسجد
ذره ذره: کم کم	زائر: دیدار کننده، زیارت کننده
غلتید: از پهلوی به پهلوی دیگر چرخید	حرم: داخل مکان زیارتی و مقدّس
انشای کوچک: انشای کوتاه	زنجیره: نوعی حشره که از خود صدا تولید می‌کند، سیرسیرک
ابد: زمانی که آن را نهایت نباشد، جاودان، همیشگی	کام: آرزو، میل، خواسته
دل‌تنگ: ناراحت، غمگین	
فارغ: آسوده، راحت	

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها

معنی بیت‌ها

- بیت ۱** صبح یک روز نوبهاری بود
معنی: صبح یک روز زیبای سال نو (= اول بهار) بود.
- بیت ۲** بچه‌ها در کلاس جنگل سبز
معنی: بچه‌های جنگل سبز، شاد و خوش حال، در کلاس دور هم جمع شده بودند.
- بیت ۳** بچه‌ها گرم گفت و گو بودند
معنی: بچه‌ها مشغول صحبت بودند و دوباره کلاس پر از سر و صدا شد.
- نکته‌های دستوری:** گفت و گو ← غیرساده / بودند ← فعل ماضی سوم شخص جمع
- آرایه ادبی:** گرم گفت‌وگو بودن: کنایه از مشغول حرف زدن بودن
- بیت ۴** هر یکی برگ کوچکی در دست
معنی: هریک از آن‌ها برگ کوچکی در دست داشت. انگار دوباره ساعت انشا بود.
- بیت ۵** تا معلّم ز گرد راه رسید
معنی: همین که معلّم وارد شد با لبخند گفت:
- آرایه ادبی:** از گرد راه رسیدن: کنایه از وارد شدن

بیت ۶ باز موضوع تازه‌ای داریم «آرزوی شما در آینده»

معنی: دوباره موضوع انشای جدیدی داریم. موضوع جدید این است که: آرزوی شما در آینده چیست؟
بیت‌های ۵ و ۶ با هم موقوف‌المعانی هستند.

موقوف‌المعانی: بیت‌هایی است که از نظر معنی به هم وابسته هستند. البته بیت پایینی، معنی بیت‌های قبل را کامل می‌کند. اغلب دو بیت با هم موقوف‌المعانی می‌شوند.



بیت ۷ شب‌بنم از روی برگ گل، برخاست گفت: می‌خواهم آفتاب شوم

معنی: شب‌بنم (= قطره صبحگاهی) از روی برگ گل بلند شد و گفت: من دوست دارم مانند آفتاب باشم.
آرایه ادبی: برخاستن شب‌بنم ← تشخیص (= شخصیت‌بخشی) / آفتاب شوم (= مانند آفتاب شوم) ← تشبیه
نکته «می‌خواهم آفتاب شوم» یعنی بخار شوم و به آسمان بروم و مانند آفتاب درخشان، ارزشمند شوم.

بیت ۸ ذره ذره به آسمان بروم ابر باشم، دوباره آب شوم

معنی: کم‌کم به آسمان بروم و مانند ابری شوم و دوباره به باران تبدیل گردم.

بیت ۹ دانه آرام بر زمین غلتید رفت و انشای کوچکش را خواند

معنی: دانه، به آرامی، بر روی زمین غلتید. رفت و انشای کوتاهش را خواند.

آرایه ادبی: خواندن انشا به دانه نسبت داده شده ← تشخیص

بیت ۱۰ گفت: باغی بزرگ خواهم شد تا آبد، سبز سبز خواهم ماند

معنی: گفت: من به باغ بزرگی تبدیل خواهم شد و برای همیشه تازه و شاداب می‌مانم.

بیت ۱۱ غنچه هم گفت: گرچه دل تنگم مثل لبخند باز خواهم شد

معنی: غنچه هم گفت: اگرچه ناراحت و غمگین هستم، دوباره مثل لبخند، شکوفا خواهم شد.

آرایه ادبی: دل‌تنگ بودن ← کنایه از غمگین بودن / گفتن غنچه ← تشخیص / مثل لبخند ← تشبیه

بیت ۱۲ با نسیم بهار و بلبل باغ گرم راز و نیاز خواهم شد

معنی: با نسیم بهاری و بلبل باغ، مشغول گفت‌وگو خواهم شد.

بیت ۱۳ جوجه گنجشک گفت: می‌خواهم فارغ از سنگ بچه‌ها باشم

معنی: جوجه گنجشک گفت: من می‌خواهم از دست اذیت و آزار بچه‌ها در امان و آسوده باشم.

نکته‌های دستوری: می‌خواهم ← اول شخص مفرد (زمان: مضارع) / جوجه گنجشک ← نهاد

بیت ۱۴ روی هر شاخه جیک جیک کنم در دل آسمان رها باشم

معنی: روی شاخه‌های درخت مشغول جیک جیک کردن (= آواز خواندن) باشم و در دل آسمان آزاد و آسوده پرواز کنم.

بیت ۱۵ جوجه کوچک پرستو گفت: کاش با باد رهسپار شوم

معنی: جوجه کوچک پرستو گفت: ای کاش من هم با باد همراه و همگام شوم.



بیت ۱۶ تا افق‌های دور کوچ کنم باز پیغمبر بهار شوم

معنی: تا عمق کرانه‌های آسمان پرواز کنم و دوباره پیام‌آور فصل بهار شوم.

بیت ۱۷ جوجه‌های کبوتران گفتند: کاش می‌شد کنار هم باشیم

معنی: جوجه‌های کبوترها گفتند: کاش همیشه در کنار هم‌دیگر باشیم و از هم جدا نشویم.

بیت ۱۸ توی گلدسته‌های یک گنبد روز و شب زائر حرم باشیم

معنی: روز و شب در داخل گلدسته‌های مسجد و مکان‌های مقدّس، مشغول راز و نیاز (= زیارت کردن) باشیم.

بیت ۱۹ زنگ تفریح را که زنجره زد باز هم در کلاس غوغا شد

معنی: همین که زنجره زنگ تفریح و استراحت را به صدا درآورد، دوباره کلاس پُر از سر و صدای بچه‌ها شد.

آرایه ادبی: زدن زنگ تفریح به زنجره نسبت داده شده است. ← تشخیص

نکته‌های دستوری: زنجره ← نهاد / زنگ تفریح ← مفعول / زد ← ماضی ساده، سوم شخص مفرد

بیت ۲۰ هریک از بچه‌ها به سویی رفت و معلّم، دوباره تنها شد

معنی: بچه‌ها، هریک به سویی رفتند و دوباره معلّم در کلاس تنها ماند.

بیت ۲۱ با خودش زیر لب چنین می‌گفت: آرزوهایتان چه رنگین است!

معنی: معلّم با خودش زیر لب، زمزمه می‌کرد: بچه‌ها، چه‌قدر آرزوهای شما زیبا است!

بیت ۲۲ کاش روزی به کام خود برسید بچه‌ها، آرزوی من، این است!

معنی: بچه‌ها، تنها آرزوی من این است که در آینده، همه شما به آرزوهایتان برسید.

نکته‌های دستوری: کاش ← شبه‌جمله / جمله اول ← جمله عاطفی / بچه‌ها ← منادا (ای بچه‌ها)

غوغا - انگار - برخاست - می‌خواهم آفتاب شوم - ذره ذره - غلتید - باغی - ابد - غنچه - مثل لبخند - بلبل باغ - فارغ - رهسپار -

افق‌های دور - کوچ - پیغمبر - گلدسته - زائر حرم - تفریح - زنجره

املاي واژه‌های مهم

پیام درس

تصویر یک کلاس خیالی است که در آن دانش‌آموزان به کمک معلّم، درباره آرزوهای خودشان در آینده حرف می‌زنند. آرزوهایی که پاک و به دور از هرگونه ظاهرسازی مادّی است. هرکدام از بچه‌ها می‌خواهند که در خیال خود و به دور از دردسرهای مادّی به آرزوهای خود برسند. تمام این اتفاقات در یک جنگل خیالی پیش آمده و با استفاده از آرایه تشخیص (= شخصیت‌بخشی) این داستان، شکل گرفته است.

حق ← محقق - حقیقت - تحقیق
 اول ← اوایل (جمع اول)
 جمع ← مجموع - جامع - مجمع - مجامع
 انشا ← منشی - منشآت
 معلم ← عالم - تعلیم - تعلم - علامه
 خنده ← خندان - خندیدن - خنده‌کنان
 موضوع ← وضع - اوضاع
 فارغ ← فراغت
 رها ← رهایی - رهایش - رهنده
 افق ← آفاق (جمع افق)
 زائر ← زیارت - زوَّار (جمع زائر) - زائرین
 تفریح ← فرح - مفرح

تاریخ ادبیات

♦ امین‌پور، قیصر (۱۳۸۶ - ۱۳۳۸ هـ. ش)

در گتوند خوزستان متولد شد. ابتدا در رشته‌های پزشکی و جامعه‌شناسی پذیرفته شد ولی هر دو را رها کرد و به ادبیات روی آورد. از آثار او می‌توان «در کوچه آفتاب، تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو و آینه‌های ناگهان» را نام برد.

نوشتن

۱- واژه صحیح را با توجه به معنی جمله در جای خالی قرار دهید.

الف) مسلمانان دو ماه محرم و را گرامی می‌دارند. (سفر، صفر)

ب) هیچ‌کس او را نمی‌شناسد؛ او در اینجا است. (قرب، غریب)

۲- با حروف زیر، چهار کلمه بنویسید که ارزش املائی داشته باشد.

{ م، ح، ر، ز، ت، ی }

پاسخ نوشتن

۱- الف) ← صفر

ب) ← غریب

۲- حرم - حرمت - تحریم - تمیز - رحمت - مرحمت

حکایت

اندرز پدر

نوع نثر: مُسَجَّع برگرفته از: گلستان سعدی

<p>ایّام: روزها</p> <p>❖ طفولیت: کودکی، خُردسالی</p> <p>❖ مُتَعَبِد: شکرگزار، عبادت کننده</p> <p>شب خیز: آن که در شب برای عبادت، بیدار می‌شود.</p> <p>رحمة الله علیه: خداوند او را رحمت کند.</p> <p>❖ دیده: چشم</p> <p>❖ مُصَحَّف: کتاب، کتاب آسمانی، قرآن کریم</p>	<p>طایفه: گروه، عده</p> <p>دو گانه: نماز صبح</p> <p>بگزارد: به جا آورد، ادا کرد.</p> <p>❖ غفلت: بی خبری، ناآگاهی</p> <p>گویی: انگار</p> <p>به: بهتر</p> <p>❖ در پوستین خلق افتادن: کنایه از غیبت کردن</p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

معنی جمله‌های دشوار اندرز پدر

❖ یاد دارم که در ایّام طفولیت، مُتَعَبِد و شب‌خیز بودم. شبی در خدمت پدر، رحمة الله علیه، نشسته بودم و همه شب، دیده بر هم نبسته و مُصَحَّفِ عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خُفته.

معنی: به یاد دارم که در دوران کودکی، خدا را عبادت می‌کردم و به هنگام شب مشغول راز و نیاز با خدا می‌شدم. یک شب در حضور پدر - خداوند او را رحمت کند - نشسته بودم و تمام شب را بیدار بودم و قرآن کریم را در آغوش گرفته بودم و می‌خواندم. گروهی هم در اطراف ما خوابیده بودند.

آرایه ادبی: متعبد، شب‌خیز و مصحف ← مراعات نظیر / دیده برهم نبسته ← کنایه از خوابیده بودم.

نکته‌های دستوری: فعل «بودم» ماضی ساده است. متعبد و شب‌خیز ← مُسند / مصحف عزیز ← مفعول / طایفه‌ای ← نهاد

❖ پدر را گفتم: «از اینان، یکی سر بر نمی‌دارد که دو گانه‌ای بگزارد. چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مُرده‌اند.» گفتم: «جان پدر! تو نیز اگر بخفتی، به از آن که در پوستین خلق، افتی.»

معنی: به پدر گفتم: «از این افراد حتی یکی هم بیدار نمی‌شود که نماز صبح بخواند. آن‌چنان در خواب بی‌خبری و غفلت فرو رفته‌اند که انگار خوابیده‌اند، بلکه مُرده‌اند.» گفتم: «ای فرزند عزیز! تو هم اگر بخوابی بهتر از این است که درباره مردم غیبت کنی.»

آرایه ادبی: سر بر نمی‌دارد ← کنایه از بیدار نمی‌شود. / در پوستین خلق افتادن ← کنایه از غیبت کردن

نکته‌های دستوری: «را» در «پدر را گفتم» به معنی «به» حرف اضافه است. پدر ← متمم / یکی ← نهاد / سر ← مفعول / جان پدر ← منادا [ای] جان پدر / فعل «است» بعد از «به [بهتر] از آن»، حذف شده است. / به (= بهتر) ← مُسند

ایّام ← یوم (مفرد ایّام)
طفولیت ← طفل - اطفال (جمع طفل)
متعبد ← عابد - عبادت - عبد
خدمت ← خادم - خدّام - خادمین
مصحف ← مصاحف (جمع مصحف) - صُحُف (جمع صحیفه)
طایفه ← طوایف (جمع طایفه)
غفلت ← غافل - مُغفَل - مغفول
خلق ← مخلوق - خالق - خلائق

درس دوم

چشمه معرفت

نوع نثر: ساده و روان برگرفته از: کویر، دکتر علی شریعتی

کنجکاوی: جستجو، دقت	☆ شکوه: بزرگی، جلال
خستگی ناپذیر: کسی که پیوسته و بدون خسته شدن کار می‌کند.	☆ اعجاز: کاری شگفت و عجیب انجام دادن، معجزه
کشف: آشکار کردن چیزی، پی بردن	مذاب: ذوب شده، گداخته
هیجان: برانگیختگی و التهاب درونی	سیراب: آنچه که به حد کافی آب خورده باشد.
معرفت: شناخت	غرور: احساس سربلندی به سبب موفقیت (با غرور و مهربانی و خشنودی)
☆ زلال: صاف و گوارا	دیرینه: قدیمی، سال‌خورده، کهن
گوارا: خوشایند، لذت‌بخش	آداب‌دان: آگاه به راه و رسم معاشرت زندگی
فهم: فهمیدن و دریافتن چیزی	وداع: خداحافظی
یقین: اطمینان کامل، قطعی	نقطه دید: جا و مکانی که قابل دیدن است.
عظمت: بزرگی، شکوه	☆ معصوم: بی‌گناه و پاک
جلال: شکوه	☆ زمزمه: نغمه، خواندن آرام و زیر لب
جاذبه: جذب کننده، به سوی خود کشنده	

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

معنی جمله‌های دشوار چشمه معرفت

سطر ۳ با نگاه‌های کنجکاوانه و تشنه، به درس بزرگ طبیعت می‌نگریستم. گوش می‌دادم، چشم می‌دادم، دل می‌دادم و روحم چنان غرق فهمیدن بود که از هیجان می‌لرزید.

معنی: با نگاه‌های جست‌وجوگر (= دقیق) و مشتاق از آفریده‌های خداوند (= پدیده‌های طبیعت) درس شناخت خداوند را یاد می‌گرفتم. گوش می‌کردم، با دقت نگاه می‌کردم و با تمام وجودم توجه می‌کردم و روح و جان من سرشار از درک کردن بود و از شدت هیجان و شوق می‌لرزید.

آرایه ادبی: نگاه‌های تشنه ← تشخیص / با نگاه‌های کنجکاوانه و تشنه به درس بزرگ طبیعت می‌نگریستم ← کنایه از با تمام علاقه و اشتیاق از طبیعت، درس زندگی را یاد می‌گرفتم. / درس طبیعت ← تشبیه (طبیعت مانند درس است). / گوش، چشم و دل ← مراعات نظیر / روحم از هیجان می‌لرزید ← تشخیص / غرق فهمیدن بود ← کنایه از با تمام وجود در حال یاد گرفتن و درک کردن بود.

سطر ۵ هم‌اکنون چشمه‌های معرفت از درون من سر باز خواهند کرد و آب‌های زلال و سرد و گوارای فهم و دانایی در من خواهد جوشید.

معنی: الان، شناخت و معرفت پدیده‌ها و آفریده‌های خداوند مانند چشمه‌ای از وجود من جاری می‌شود و من نسبت به همه آن‌ها شناخت و آگاهی پیدا کرده‌ام و درک و دانایی مثل آب زلال و گوارا در من می‌جوشد و من نسبت به همه آن‌ها به درک و آگاهی رسیده‌ام.

آرایه ادبی: چشمه‌های معرفت (معرفت مانند چشمه است). ← تشبیه / چشمه‌های معرفت از درون من سر باز خواهند کرد ← کنایه از سراسر وجود من پر از شناخت می‌شود. / آب، زلال، سرد و گوارا ← مراعات‌نظیر / آب‌های فهم و دانایی ← تشبیه (فهم و دانایی مانند آب هستند). / در من خواهد جوشید. ← کنایه از جاری بودن فهم و دانایی در وجود من.



سطر ۸

در کلاس شگفت آفرینش و زیبایی طبیعت، عظمت و جلال و جاذبه خالق درس را با همه وجود لمس کردم.

معنی: در کلاس شگفت‌انگیز درس پدیده‌های آفرینش و زیبایی طبیعت، بزرگی و شکوه خداوند را با تمام وجودم درک کردم.

(= از طبیعت زیبا به عظمت و بزرگی خداوند بزرگ پی بردم.)

آرایه ادبی: کلاس شگفت آفرینش ← تشبیه (آفرینش همانند کلاس درسی، شگفت‌انگیز است و به انسان‌های عارف و آگاه، درس خدانشناسی می‌دهد).

سطر ۱۲

آب، این روح مُذاب امید و زندگی، تازه نفس، جوان، زلال و نیرومند با گام‌های استوار و امیدوار، شتابان می‌رفت تا خود را به دهان خشک زمین و صدها کشتزار سوخته و نگاه‌های پژمرده هزاران درخت تشنه برساند و در رگ‌های خشکیده جوی‌های مزرعه و کوچه باغ‌های مُرده، جاری گردد.

توضیحات:

منظور از «این روح مُذاب» همان، روان بودن آب است که مانند روحی به انسان و دیگر موجودات، نشاط و زندگی می‌بخشد.

معنی: آب که مانند روحی روان و جاری سبب امید به زندگی و شادابی است، بدون خستگی، بانشاط، صاف، قدرتمند و با قدم‌های محکم و امیدوار، به سرعت، حرکت می‌کرد تا زمین‌های خشک، کشتزارهای بسیاری که تشنه مانده بودند و درختان پژمرده را سیراب کند و دوباره در جوی‌های مزرعه‌ها و کوچه‌هایی که از کنار باغ‌ها می‌گذشتند و خشک و بی‌آب بودند، جاری شود.

آرایه ادبی: آب، این روح مُذاب ← تشبیه (آب به روح تشبیه شده است). / آب، شتابان می‌رفت ← تشخیص / دهان خشک زمین ← تشخیص (نسبت دهان به زمین) / نگاه‌های پژمرده درخت ← تشخیص / رگ‌های خشکیده جوی‌ها ← تشخیص (نسبت دادن رگ به جوی‌ها) / کشتزارها، مزرعه ← مراعات‌نظیر

سطر ۱۷

درختان سرسبز باغ و صحرا را دیدم که شاخه دست‌های خویش را به آسمان برافراشته بودند و دعا می‌کردند و کودکان پرنشاط گل بوته‌ها و نوجوانان امیدوار ذرت‌ها در گوش نسیم، آمین می‌گفتند.

توضیحات:

شاخه دست‌های خویش را به آسمان افراشته بودند ← اشاره به شاخه‌های درختان است که به سمت آسمان بلند شده بود که نویسنده این حالت را به صورت تشبیه و تشخیص به انسانی مانند کرده (درخت‌ها مثل انسان‌هایی هستند). که دستشان را به سمت خداوند، بلند کرده و مشغول راز و نیاز بودند و دیگر پدیده‌ها (گل بوته‌ها و ذرت) هم آمین می‌گفتند و پاسخ می‌دادند.

آرایه ادبی: شاخه دست‌ها ← تشبیه (شاخه‌ها مانند دست‌ها هستند) / دعا کردن درختان سرسبز ← تشخیص / کودکان پرنشاط گل بوته‌ها ← تشبیه (بوته‌های گل مانند کودکان شاداب و سرزنده بودند). / نوجوانان امیدوار ذرت‌ها ← تشبیه (ذرت‌ها مانند نوجوانان امیدواری هستند). / گوش نسیم ← تشخیص / آمین گفتن به گل بوته‌ها و ذرت‌ها نسبت داده شده ← تشخیص

سطر ۲۳ از صحرا بازمی‌گشتم و نسیم، مانند مادری مهربان و آداب دان که به کودکان خویش، حق‌شناسی و ادب می‌آموزد، سرهای نهال‌های جوان و بوته‌های نوزاد خویش را به نشانهٔ احترام و وداع با من خم کرده بود.

آرایه ادبی: نسیم مانند مادری ← تشبیه / حق‌شناسی و ادب می‌آموزد به نسیم، نسبت داده شده ← تشخیص / خم شدن سر بوته‌ها برای احترام و وداع ← تشخیص

□ منظور از «بوته‌های نوزاد»، بوته‌های تازه روییدهٔ دشت و صحرا است که نسیم، آن‌ها را به حرکت درمی‌آورد.

معنی بیت سعدی

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

معنی: از نظر انسان خردمند، برگ‌های درختان به هنگام بهار، مانند کتابی هستند که عظمت و بزرگی خداوند را به ما می‌شناسانند.

آرایه ادبی: برگ درختان مانند کتاب است. ← تشبیه

نکته‌های دستوری: برگِ درختان، نظرِ هوشیار، ورقش (ورقِ او)، و معرفتِ کردگار ← ترکیب اضافی هستند. / این بیت از یک جمله، تشکیل شده است.

معنی سه بیت از سعدی که در خود آریایی آمده است.

قالب شعر: مثنوی **شاعر: سعدی، کتاب بوستان**

بیت ۱ برآرد تهی دست‌های نیاز ز رحمت نگردد تهی دست باز

معنی: [درخت] دستانش (= شاخه‌هایش) را در حالی که خالی و بی‌برگ است به قصدِ اظهارِ نیاز به درگاه خداوند بلند می‌کند و از لطف و رحمت الهی، بی‌بهره نمی‌ماند.

بیت ۲ همه طاعت آرند و مسکین نیاز بیاتابه درگاه مسکین نواز

معنی: همهٔ انسان‌ها، خداوند را عبادت و بندگی می‌کنند اما انسان بیچاره، نیازش را به درگاه خداوند می‌آورد (= از خدا می‌خواهد، حاجتش را برطرف کند)، بنابراین به درگاه خداوندی بیا که انسان‌های بیچاره و تهیدست را مورد لطف و رحمت خود قرار می‌دهد، □ مسکین نواز ← خداوند که به بیچارگان لطف دارد.

نکته‌های دستوری: همه ← نهاد / طاعت ← مفعول / مسکین ← نهاد / نیاز ← مفعول

بیت ۳ چو شاخ برهنه برآریم دست که بی‌برگ از این بیش نتوان نشست

معنی: مانند شاخهٔ عریان و بی‌برگِ درخت، دست خود را به قصدِ راز و نیاز به سوی خداوند بلند کنیم، زیرا بیش‌تر از این نمی‌توان بی‌برگ و بدون توشهٔ آخرت، بود.

آرایه ادبی: چو (= مانند) شاخ برهنه ← تشبیه (= «یم» در «برآریم» ← مشبّه ← چو ← ادات تشبیه / شاخ برهنه ← مشبّه به / دست برآریم ← وجه شبه) / دست برآریم ← کنایه از اظهار نیاز کردن به درگاه خداوند □ بی‌برگ ← بدون توشه برای آخرت (= عبادت و بندگی)

خستگی‌ناپذیری - طبیعت - کنجکاوانه - غرق فهمیدن - هیجان - احساس - چشمه‌های معرفت - آب‌های ژلال - آفرینش الهی - یقین - عظمت و جلال - جاذبهٔ خالق - غرقهٔ شکوه - اعجاز - خلقت - لطیف - برهنه‌ام - روح مُذاب - صدها کشتزار سوخته - جوجه‌های مزرعه - سبزه‌ها و کشته‌های سیراب - پُرنشاطِ گل بوته‌ها - ذرّت‌ها - غرور - خشنودی - صحرا - ساقه‌های سرسبز - خویشاوند - حق‌شناسی - بوته‌های نوزاد خویش - احترام و وداع - نقطهٔ دید - پاکی و صفا - معصوم - زرمه - معرفت کردگار

پیام درس

در این درس به پدیده‌های طبیعت اشاره شده است که بیانگر قدرت و عظمت خداوند هستند. تمام این پدیده‌ها همانند انسان‌ها مشغول راز و نیاز با خداوند هستند و خدا را به بزرگی و یکتایی می‌ستایند.

کنجکاو ← کنجکاوای - کنجکاوانه - کنجکاونده
 فرا گرفتن ← فراگیر - فراگیرنده - فراگرفته
 کشف ← کاشف - اکتشاف - مکشوف
 غرق ← غریق - مستغرق - غرقه
 احساس ← حس - محسوس - حسّاس
 معرفت ← عارف - معارف (جمع معرفت) - معروف
 فهم ← مفاهیم - مفهوم - تفهیم
 زیبایی ← زیبا - زیننده - زیبیدن
 آفرینش ← آفریننده - آفریدن - آفریدگار
 عظمت ← عظیم - تعظیم - مُعظّم
 جلال ← جلالیه - اجلال - مُجلّل - تجلیل
 جاذبه ← جاذب - جذّاب - مجذوب
 لمس ← لامسه
 اعجاز ← عجز - معجزه - معجزات
 لطیف ← لطف - الطاف - ملاطفت
 جوشش ← جوش دهنده - جوشیدن - جوشان
 نفس ← نفوس - انفاس (جمع نفس) - تنفس
 مزرعه ← مزارع (جمع مزرعه) - زراعت - زارع
 جاری ← مجاری - مجرا - مجری - اجرا
 دعا ← ادعیه (جمع دعا)
 غرور ← مغرور - غرّه
 دیرینه ← دیر - دیرینگی - دیرین
 آداب ← ادب (مفرد آداب) - مؤدّب - ادیب
 احترام ← محترم - حریم - حرمت
 نقطه ← نقاط (جمع نقطه)
 نقطه با مناطق و منطقه هم‌خانواده نمی‌شود.
 نظر ← ناظر - منظور - انتظار
 معصوم ← عصمت - معصومه - معصومین

هم‌خانواده‌ها

تاریخ ادبیات

◆ شریعتی، علی (۱۳۵۶ - ۱۳۱۲ هـ. ش)

نویسنده و اندیشمند معاصر، فرزند استاد محمد تقی شریعتی است. وی در مَزینان (از توابع سبزوار) خراسان رضوی به دنیا آمد. در رشتهٔ جامعه‌شناسی و تاریخ ادیان به درجهٔ دکترا دست یافت. کتاب‌های: فاطمه فاطمه است، کویر، اسلام‌شناسی و ... از آثار اوست.